



دستِ دادگر در دربار دهر، درمانِ درد دارد دریاب

شقایق شبانه شمع شد! شمایل شود شه شهباز

ای جان و جمال و هفت رخ ماه به فدای مویت حسینم

چهل روزیست اربعین و میراث بی پایانت همه حفظاند

لعیم گشت قاتلت، چند روزی گیریم ریختش باده باز

جانم پروردگار را که ماندگار کرد نامت در گیتی یادگار

گویند کسی که کامل است ستایش او می ماند ناتمام

زین به بیابان کلام! روید نسترن و نرگس حتی ارغوان

مصرع آخری گویم و شرمنده باشم که کم آورد لسان

من مظهر عشق تو گویم تو نگفته حرف دلم را ستان



نویسنده: حمید رضا شریفی

قالب: مثنوی

موضوع: شکوه حسین

معنی مصرع اول:

دست خداوند در ملك روزگار درمانده دهنده هر درد است، متوجه باش

معنی مصرع دوم

خون شهید در تاریکی روشنی است، این چهره‌ی حسین است همچون پرده‌ی شهباز

معنی مصرع سوم

هرچه در عالم بینی از هفت آسمان تا هفت رخ ماه ندایت حسین

معنی مصرع چهارم

چهل روز است اربعین اما تو چنان در دل نشسته که مانی تا آخر الزمان

معنی مصرع پنجم

تاتلت بیچاره شد و گول چند روز شادی را خورد

معنی مصرع ششم

کار خدا را ببین که بعد از شهادت چه نامی در تاریخ ساخت ز تو

معنی مصرع هفتم

کسی که مانند حسین کامل است هرچه تعریف کنم برایش کم است

معنی مصرع هشتم

من بخاطر تو با بیابان حرف زدم رویید هر چه گل خوش بو حتی درخت ارغوان

معنی مصرع نهم

با مصرع بعدی تمام میکنم چون زبانم کم میارود در تعریف تو

معنی مصرع دهم

من جانم را به تو تقدیم میکنم و تحویل نداده تو میدانی و تو